

برادر ما چرا که چندین سخن از ما پرسید و حدیث پدر پرسید
 و این آواز با او از یوسف ما می‌داند یا این یوسف بود یا یکی
 از اهل بیت ما برادران با یهودا چنگ کردند که چرا چنین
 سخن می‌گویید این مرتبه و این نزدیکی یوسف ما را با یهودا
 این همه سیاه و کثرت و ضمیمه و چهار هزار نیک و چهل و پنج
 دارد و یوسف ما نه او را به بندگی فروختیم و در جهان
 نابدید شد و گاه باشد که در جایی نودده باشد بر این حدیث
 چرا می‌گویید که اگر یوسف عاقبتی با چند نفر مال و مملکت
 پیدا طلب کردی و با ما چندین نیکویی کنی کردی بلکه ما را
 چندین عقوبت کردی بر یوسف علیه السلام ایشان را کذب
 داد و گفت که برادر الیقین با خود بیارید یهودا دیگر
 گفت که همین سخن است که من گفتم و همان من چنانست که این یوسف
 ماست بر برادران متکرر یهودا شدند و گفتند تو نیز چون
 یوسف ترک کرامات و صیلة و مکر کن و آنچه یوسف میکرد
 بجای می‌آوری که اگر پدر ما این سخن بشنود ما را بدو فرزند

بگفت
 لا یرون ائی اوفی الکیل ۵ دیگر یوسف علیه السلام
 که کجاست تمام بدادم و شمار اینلوحومه کردم ۵ فان لم
 تا تونی به کلا کید لکم عندی ولا تقر بون ۵
 پس پندارند که اگر امید و آن برادر با خود نیاوردید بشمار که
 کیدند و بخوشتن نزدیک بکنم بر ایشان گفتند ما از پند
 خوشتی او را بخوایم باشد که دستوری دهد **قوله تعالی**
 قالوا استر اورد عنہ آیاه وانا لفاعلون ۵ چون آنها
 گفتند ما بیاریم پس یوسف علیه السلام کسی را فرمود که
 این دوستان را ایشان در بار یهودا نهادند و ایشان
 روان شدند **قوله تعالی** وقال لفتیانہ اجعلوا
 بصاعثکم فی رحالکم لعلکم یعرفونہا اذا انقلبوا
 الی اهلکم لعلکم ترجعون ۵ و بهای آن بصاعت
 نهادند در بار ایشان بیت بود که زود یاز آیند **قوله تعالی**
 امله است که چون یهودا از پندش ^{یوسف} ~~یوسف~~ که بد آمد
 یا برادران گفت که فرابزل چنین می‌اید که این یوسف است
 برادر ما